A close-up portrait of Siyamak Aqaei, a young man with dark, wavy hair, looking upwards and to the right. He is wearing a white collared shirt and a dark tie. The background is a plain, light color.

سیامک آقایی (متولد ۱۳۵۴ _ اهواز)، نواختن سنتور را نزد خانم رویا حلاج در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران آغاز کرده و سپس به منظور گسترش تکنیک نوازندگی و آشنایی با ظرایف موسیقی اصیل ایرانی از محضر اساتیدی چون مسعود شناسا، پرویز مشکاتیان، محمد رضا لطفی و مجید کیانی بهره برده است. وی از سال ۱۳۷۵ تاکنون با تفکیک فعالیت هایش به دو حیطه موسیقی اقوام و مکانب سنتور نوازی مشغول گردآوری و نمایه سازی اطلاعات در این زمینه بوده است. وی علاوه بر نوازندگی سنتور بر نوازندگی دوتار خراسانی و قیچک باس تسلط کامل دارد. در واقع او را باید احیا کننده قیچک باس در ایران دانست. در زمینه اجراهای صحنه ای، وی کنسرت های متعددی با گروه های عارف (به سرپرستی پرویز مشکاتیان)، آفتاب، پروژه جاده ابریشم (با همکاری کیهان کلهر و ژاؤ ژیبینگ)، گروه اطلس و... در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی و دانشگاه های نیویورک، واشنگتن، برکلی، یوسی ال ای، سیاتل، دالاس، لوس آنجلس، شیکاگو، هامبورگ، لیون، پاریس و... داشته است. او به منظور شناخت قابلیت های اجرایی و ترکیب صوتی ساز سنتور گروه سنتورنوازان را تشکیل داده است و آثار مختلفی با این گروه تولید کرده است. وی فارغ التحصیل رشته موسیقی از دانشگاه تهران می باشد.

- نشر DVD «بعد ما»، آخرین کنسرت گروه «سننور نوازان» (۱۳۸۵-۸۶)
- تکوازی سننور در مایه های سه گاه، ابوعطا، کرد بیات
- ضبط و ارائه پنج شب اجرای زنده کنسرت گروه «جاده ابریشم» در پنج ایالت آمریکا (۲۰۰۶)
- هنرنوازی «سننور» و «شاکوهایجی» (تی سنتی ژاپن) به همراه سیامک جهانگیری و کوپومازاکی (Ko Umezaki) در ژاپن (۲۰۰۴)
- همکاری با پروژه «جاده ابریشم» در ضبط آثار، Enchantment - When Strangers Meet
- بداهه نوازی گروهی نوا در نیویورک با همکاری کیهان کلهر «کمانچه»، سیامک جهانگیری «تی»، بدرام خاورزمینی «تنبک»، حمید رضا خیاری «تار» (۲۰۰۳)
- بداهه نوازی و گروه نوازی در آوازدهشتی با همکاری کیهان کلهر، سیامک جهانگیری و کیلوند (۲۰۰۰)

- آهنگسازی و نلطف قطلمانی برای گروه «روزنه» (۱۳۸۲)
- ضبط آثاری برای گروه «سننور نوازان» (۸۱-۱۳۸۰)
- همکاری در ضبط آلبوم «می شنیدم از برنده» موسیقی برای کودکان (۱۳۸۰)
- همکاری در ضبط آلبوم «گذر» به آهنگسازی رضا فیاضی با همکاری گروه «آفتاب» (۱۳۷۸)
- همکاری در ضبط آلبوم «کوتاه» - طراحی برای سازهای کوبه ای (۱۳۷۸)
- همکاری در ضبط آثاری از سعید کامجو - سه گاه و شوشتری (۱۳۷۷)
- نوازندگی قیچک باس در ضبط موسیقی فیلم سنگ و شیشه
- گردآوری آرشبو صوتی، تصویری فرهنگ وازگان و سازهای رایج در موسیقی شمال خراسان (با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور)
- ایراد جلسه بحث هابی بر مکتاب سننورنوازی و ساختارشناسی نوازندگی سننور (با همکاری برنامه نستان - رادیو فرهنگ)

پیمان پایدار

مردی که سی صد بار از جاده ابریشم گذر کرده است!

التهیرن از قدیمی ترین و مهمترین راویان این منطقه محسوب شده که نقش بسیار کلیدی را در انتقال موسیقی و تکنیک اجرایی هزاره های گذشته تا به امروز ایفا کرده است.

■ نتیجه ای که از تجربه نوازندگی سازهای دیگر عایدتان شد چه بود؟

این نکته، نتایج و فواید بسیاری را به همراه دارد که تنها به یکی از آن ها اشاره ای کوتاه می کنیم فرض کنید شما به عنوان یک آهنگساز یا تنظیم کننده قطعات موسیقی و یا حتی صرفاً در مقام رهبری و مدیریت هنری (سرپرستی) گروه سازهای ایرانی یا دسته های گوناگونی از سازها (انواع خانواده های کشتی، مضربی، کوبه ای و...) سر و کار مستقیم دارید چه برای نوشتن و چه برای خلق بهتر و در نهایت منظور انتقال ایده هایتان به نوازنده تان، نیاز به تسلطی (هرچند اندک) بر یکی دو دسته دیگر به غیر از ساز تخصصی تان دارید. لذا نواختن مثلا قیچک بهم به پیدا کردن خطوط و روابط مابین خانواده های سازی مختلف و نهایتاً انتقال ایده هایم به نوازندگانم در گروه سازهای ایرانی کمک فراوانی می کند.

■ با توجه به تحقیقات شما در باب مکتاب سننورنوازی، برای تبدیل شدن یک سبک به مکتب، چه ویژگی های لازم است و فاکتورهای کلیدی مجزا چیست؟
با توجه به گستردگی این سوال شاید بهتر باشد به تعدادی از این ویژگی ها به طور گذرا اشاره کنم. حداقل ویژگی و یا مشخصه یک «مکتب»

تکنه تنها دلیل رجوع من به ساز «قیچک بهم» نبوده و نیست و این داستان سری دراز دارد که مجموعه دلایل و اندیشه هایم را از جرابی انتخاب و عرضه این ساز به تفصیل در سایت شخصی ام به آدرس (www.siamakaghajeh.com) ذکر کرده ام که در صورت تمایل، قابل استفاده علاقه مندان خواهد بود.

در صورت تجمع و تمرکز گروهی، عناصر و وجوه بارز يك سبک موسیقی در عامل «زمان» شناور شده و به نوعی حرکت در جهت بالندگی و افزایش عناصر سازنده اش دست می یابد که همین، ضامن استحکام، فراوانی، وسعت و در نهایت ماندگاری آن نسبت به سبک است

■ دلایلتان برای انتخاب «دوتار» چه بود؟

دوتار از جنبه های گوناگونی توجه مرا به خود جلب کرده است. در واقع این ساز از معدود سازهایی است که در آن تمام انگشتان هر دو دست نوازنده در کار ایجاد صدا و نغمات، الی مستقیم دارد. از طرفی دیگر این ساز با سابقه ای بیش از پنج هزار سال در حوالی منطقه بین

■ شما با داشتن عنوان یک نوازنده حرفه ای سننور، چه شد که به نوازندگی سازهای دیگر روی آوردید؟

ایده هر موسیقیدانی همواره به دنبال نوعی اصل آل صوتی است. ایده ای متأثر و برگرفته از اثبات تجربیاتی که خود، محصول و چکیده ای از چند عامل گوناگون است، از قبیل الف) آرشبو صوتی - ذهنی مورد علاقه اش و آنچه در یاد و خاطره ناخودآگاهش رسوب کرده است ب) ساز تخصصی و نهایتاً اندیشه ای که قرار است با انتخاب گونه ای از طریق بیان منتقل شود.

همه این عوامل و همین طور عناصر سازنده و ترکیبی دیگر، دست به دست یکدیگر داده و تحت لای «ذوق شخصی» سلیقه صوتی موسیقیدانان یا همان «ایده آل صوتی» مطلوب وی را پدید می آورند. در این بین نوازندگانی که بر یک ساز خاص (از خانواده ای خاص) متمرکزند همیشه به نوعی «مکمل صوتی» که در طرف دیگر قرار دارد گرایش نشان داده اند. در این بین می توان از کشش ذاتی نوازندگان گروه سازهای مضربی به گروه های سازهای کششی و بالعکس یاد کرد.

■ چرا قیچک باس را انتخاب کردید؟
به هر حال من هم از قاعده یاد شده مستثنی نیوادم. در این بیست و اندی سال همیشگی با ساز خوش لحن و پر ملین «سننور» کشش و جذب خاصی را نسبت به خانواده سازهای کششی - آرشه ای در خود احساس می کنم. البته این

حجم آثار و تا عدد کمی عرضه کنندگان آن است که نسبت به یک «سیک» تفاوت فاحشی دارد. این تعدد حجم و کمیت نشان می‌دهد که سبک مورد نظر، مورد توافق جمعی قرار گرفته و در پروسه تبدیل سبک به مکتب جهت‌وری شده است. در صورت تجمع و تمرکز گروهی، عناصر و وجوه بارز یک سبک موسیقی در عامل «زمان» شناور شده و به نوعی حرکت در جهت بالندگی و افزایش عناصر سازنده اش دست می‌یابد که همین، ضامن استحکام، فراوانی، وسعت و در نهایت ماندگاری آن نسبت به سبک است. به طور خلاصه سبک عمدتاً در اختیار «فرد» است گویانکه مکتب در اختیار جمع، حالا جمعی که ممکن است از فرد یا افرادی خاص و برجسته ماهی اصلی را گرفته باشند.

■ **مکتبی را که به رسمیت می‌شناسید نام ببرید؟**

شاید قشنگ تر و بهتر باشد بگوییم چه مکتبی در نظام موسیقی کنونی ما رسمیت پیدا کرده‌اند. در این صورت می‌توان به اختصار به دو جریان اصلی مکتب بدین شکل اشاره کرد.

(الف) مکتب موسیقی دستگامی

(ب) مکتب موسیقی ترکیبی

خیلی خلاصه تر اینکه مکتب موسیقی دستگامی (ردیف) از خانواده فرهانی آغاز شده است و با گذر از امثال استاد شهنازی اکینون وامدرا فعالیت استادی از قبیل آقایان مجید کیانی، داریوش طلائی و... است. و همچنین سیر تحول مکتب موسیقی ترکیبی که با ترکیب و دخول عناصری (که لزوماً ریشه ردیف دستگامی ندارند) را می‌توان در تمام طول تاریخ ردیف از ابتدا تا کنون دید. تاریخ معاصر آن، سر در تجربیات و نبوغ استادی چون درویش خان و ابوالحسن صبا و... دارد و از طریق تداوم آن توسط استادی چون فرامرز پایور و پرویز مشکاتیان شاخ و برگ خود را تا به امروز گسترانیده و به نسل جدید منتقل شده است.

■ **آیا خود را صاحب مکتب در سنتونروازی ویا به طور کلی موسیقی می‌دانید؟**

بخش عمده ای از تلاش من در طی این سال‌ها عمل به این نظریه بوده است: نظری که می‌گوید در تعریف یک «نوازنده»، قطعاً تسلط به هر دو جریان مذکور «حداقل» محسوب می‌شود. همچنین بداهه نوازی در هر دو شیوه، نهایت و غایت روند مطلوب نظرم بوده است چرا که غفلت از هر کدام تعجب‌زایی از امکانات، قلمرو، مهارت، تجربیات و لذت‌های آن را از منظر شما پنهان خواهد کرد. چه زیبا و در عین حال شاخ برکم هوای من ردیف باشد و در بین شاخ‌های برکم هوای امروز را استنشاق کند. من به عنوان نوازنده باید بر این دو مطلب سوار و مسلط باشم؛

(الف) ردیف که موزه‌ها و شیوه گذشتگان



گروه اطلس یک گروه موسیقی تلفیقی است که صرفاً به اجرای آثاری از آهنگسازان مدرن و معاصر می‌پردازد. مجموعه‌ای عجیب و غریب؛ شامل دو گروه سازهایی آسیایی و گروه سازهای موسیقی کلاسیک اروپایی. در این مجموعه از پیلا، دف و پنداریک و ... تا سنتور، قانون، نی، سورنا و ... در کنار نوازندگان سازهایی خانواده زهی ویلن، آلتو، ویلنسل و کنترباس و همچنین طوفات، انواع ساکسیفون، ابوا، کلارینت و ... می‌توان دید که همگی به اجرای قطعات موسیقی مدرن می‌پردازند.

این گروه سازهایی آسیایی و گروه سازهای موسیقی کلاسیک اروپایی. در این مجموعه از پیلا، دف و پنداریک و ... تا سنتور، قانون، نی، سورنا و ... در کنار نوازندگان سازهایی خانواده زهی ویلن، آلتو، ویلنسل و کنترباس و همچنین طوفات، انواع ساکسیفون، ابوا، کلارینت و ... می‌توان دید که همگی به اجرای قطعات موسیقی مدرن می‌پردازند.

بخش عمده ای از تلاش من در طی این سال‌ها عمل به این نظریه بوده است: نظری که می‌گوید در تعریف یک «نوازنده»، قطعاً تسلط به هر دو جریان مذکور «حداقل» محسوب می‌شود. همچنین بداهه نوازی در هر دو شیوه، نهایت و غایت روند مطلوب نظرم بوده است چرا که غفلت از هر کدام تعجب‌زایی از امکانات، قلمرو، مهارت، تجربیات و لذت‌های آن را از منظر شما پنهان خواهد کرد. چه زیبا و در عین حال شاخ برکم هوای من ردیف باشد و در بین شاخ‌های برکم هوای امروز را استنشاق کند. من به عنوان نوازنده باید بر این دو مطلب سوار و مسلط باشم؛

باشد، می‌توان تغییراتی را لحاظ کرد. «صدای اصلی سنتور» چه من و سلیقه ام بیستد و چه بیستد از طریق مضراب بدون نمد حاصل شده و می‌شود که برای خودداری جایگاه ویژه، تکنیک اجرایی و زیبایی، خیره‌کننده است.

■ **همکاری با «جاده ابریشم» از کجا شروع شد و تا چه اثری بر تفکر موسیقایی شما گذاشت؟**

این همکاری از حدود سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ بنا به دعوت دوست عزیزم کیهان کلهر شروع شد و تا کنون ادامه داشته است. همکاری با گروه‌های ترکیبی، توان تجسم صوتی شما را می‌افزاید. این خود زمینه، مساعدی برای خلق طرح و اجرای ترکیبات بدیع و «تاشنیده» را از طریق گزینش عناصر ظاهراً غیر مانوس فراهم می‌آورد و به شما و ذهن موسیقایی آنان بال و پر دیگری می‌بخشد.

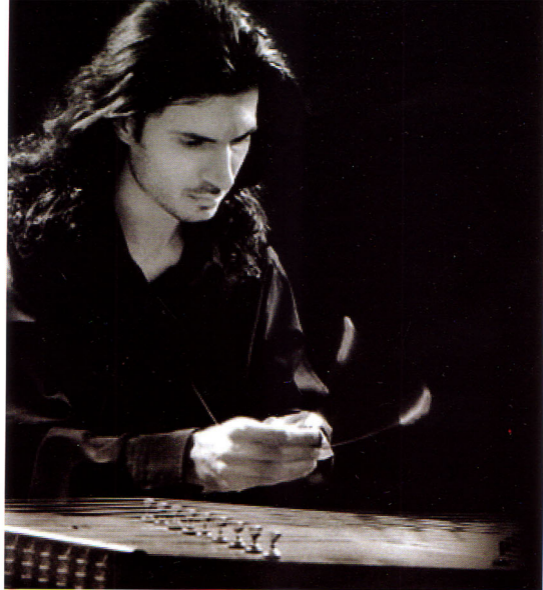
■ **به نظر شما جای موسیقی‌های تلفیقی (گفتگان موسیقایی ملل) در ایران خالی است؟**

بله قطعاً، البته دلایل آن به شاخه‌ها و زیر ساخت‌های متعددی مربوط می‌شود؛ جمله مهمترین آنها می‌توان به «امکانات»، «نیاز جامعه» و «توان اجرا» و... اشاره کرد.

■ **توضیحاتی درباره گروه موسیقی «اطلس» دهید؟**

گروه اطلس یک گروه موسیقی تلفیقی است که صرفاً به اجرای آثاری از آهنگسازان مدرن و معاصر می‌پردازد. مجموعه‌ای عجیب و غریب؛ شامل دو گروه سازهایی آسیایی و گروه سازهایی موسیقی کلاسیک اروپایی. در این مجموعه از پیلا، دف و پنداریک و ... تا سنتور، قانون، نی، سورنا و ... در کنار نوازندگان سازهایی خانواده زهی ویلن، آلتو، ویلنسل و کنترباس و همچنین طوفات، انواع ساکسیفون، ابوا، کلارینت و ... می‌توان دید که همگی به اجرای قطعات موسیقی مدرن می‌پردازند. من در این گروه نوازندگی سنتور ایرانی را عهده دار هستم و تاکنون چندین مجموعه آهنگسازی شده برای این گروه خاص را در چند نقطه اروپا (از جمله استرادم، برلین و... به همکاری ارکسترسمفونیک برلین) به روی صحنه برده‌ام.

از نقاط قوت و وجوه تمیزه اجرا در این گروه، امکان معرفی و عرضه موسیقی شرقی به طور مستقیم در برنامه‌های کاملاً مجزا از کلیت اجرا است. در این بخش می‌توان به چندین گروه‌ها و معرفی موسیقی دستگامی در فوق برنامه کنسرت‌ها اشاره کنم. موضوع یکی از برنامه‌های توضیحی-اجرائی خوبی که به یاد می‌آورم، راجع به «نقش زمان و مکان در بداهه نوازی موسیقی دستگامی ایران» بود که در بخش اول به توضیح مختصری از سیستم موسیقی دستگامی پرداختم و سپس با اجرای ردیف (به صورت خام) معرفی اجمالی از دستگاه همایون و درامدشایز ارائه



مولانا اختصاص دارد که در سالن Hollywood Bowl (همان سالن معروف سی هزار نفری لوس آنجلس) با شرکت هنرمندانی از خراسان به همراهی دوستان عزیزم، کیهان کلهر و سیامک جهانگیری چند اجرا خواهیم داشت. زمان دقیق این اجرا را فراموش کرده ام ولی گمان می کنم که اواخر تابستان عازم شویم.

■ تمامی مطالب فوق به قلم شخصی هنرمند گرامی «سیامک آقایی» می باشد. بخش موسیقی اصیل و اقوام ایرانی نشریه موسیقی قرن ۲۱ این نوید را به خوانندگان محترم می دهد که در شمارگان آینده در باب موضوعاتی چون «موسیقی در شمال خراسان»، «تجزیه و تحلیل مکاتب سنتور نوازی» و ... به پرسش و پاسخ با جناب آقای سیامک آقایی خواهد پرداخت.

■ **بداهه نوازی و کار عمل چقدر در ساخت ملودی های «جاده ابریشم» نقش دارد؟**
 ... در این پروژه در کنار قطعات از پیش تنظیم شده گروهی، هر از گاهی فرصت اجرای موسیقی سنتی در کشورهای آسیایی و همکاری با آن ها یافت می شود. به عنوان مثال عالم قاسم اف از جمهوری آذربایجان، خوانندگانی از مغولستان و ما (کیهان کلهر، سیامک جهانگیری و سیامک آقایی) در خلال قطعات هر نوازنده به اجرای آثاری از موسیقی اصیل کشور خودش می پردازد که در این میان ما عمدتاً بداهه نوازی کرده ایم.

■ **آیا بازم با «جاده ابریشم» همکاری می کنید؟**
 بله! برنامه آتی این گروه به بزرگداشت حضرت

دادم و سپس در پایان پس از توضیحاتی در مورد عوامل موثر و سازنده «زمان» و «مکان» و نقش کلیدی این دو در تعبیر موسیقی ردیف-دستگاهی، در دستگاه همایون بداهه نوازی کردم که بسیار مورد استقبال مخاطبان حرفه ای برای کل اجرای این شاخه از موسیقی قرار گرفت به طوری که معمولاً یک ساعت زمان در نظر گرفته شده برای کل اجرا به درخواست مخاطبان به بیش از دو ساعت کشیده می شد!

■ **چند اجرا با گروه «جاده ابریشم» داشته اید؟**
 اجرا در پروژه جاده ابریشم، مدل ها و فرمت های گوناگون دارد. در کل و در مجموع دو بخش «اجرای صحنه ای» و «اجرای کارگاهی (work shop)» می توان به حدود ۳۰۰ کنسرت و اجرای عمومی اشاره کرد.